تهی دستان در گردونه سیاست ایران

کتاب سیاست های خیابانی

‍از میان ۶۴۶ نفری که طی درگیری‌های خیابانی تهران در جریان انقلاب از اواخر مرداد ماه ۵۶ تا بهمن ۵۷ کشته شده بودند، فقط ۹ نفرشان و یا به عبارت دیگر فقط ۱ درصد آنان از آلونک نشین‌ها بودند، بالاترین نسبت‌ها از آن صنعتگران و مغازه‌داران (۱۸۹ نفر) دانشجویان (۱۴۹ نفر) کارگران کارخانه ها و کارگاه ها (۹۶ نفر) و کارمندان دولت (۷۰ نفر) بودند.

چرا تهی دستان و به طور خاص حاشیه نشینان و ساکنان املاک تصرف شده، از فرایند مبارزات انقلابی به دور ماندند؟

تھی دستی، بی‌عدالتی و ظلم به تنهایی دلایل کافی برای عمل سیاسی ضددولتی فراهم نمی‌آورند. سؤال‌های ضروری این است که تهی‌دستان چه درکی از تهی دستی‌شان، ستمی که بر آنان می‌رود و مشکلات روز به روزشان دارند؟ چه کسی را مقصر می دانند؟ چه مکانیزم ها و استراتژی هایی (اگر وجود داشت برای مبارزه با این مشکلات، تدبیر و اتخاذ می کنند؟) و سرانجام اینکه، تا چه میزانی، نیروهای سیاسی بیرونی با ارائه تحلیل‌ها و راه حل‌های متفاوت برای مشکلات آنان، علاقمند و قادر به فعال ساختن تهی دستان هستند؟

﻿شعری که خسرو گلسرخی در جریان دادگاه اش خوانده بود با عنوان «زیر پل جوادیه)، هم بیانگر حس دلسوزی و هم احساس تعلق مذهبی بود. داستان های کوتاه صمد بهرنگی و غلامحسین ساعدی عمدتا روی بدبختی های مردم طبقات فرودست و زندگی فلاکت بار شان متمرکز بود. گمنامی و بی ریشگی مهاجران به شهرها، موضوع اصلی انتقادات اجتماعی جلال آل احمد بود.

«آشغال دونی»، ساعدی که بر اساس آن فیلم «دایره مینا» ساخته شده بود روانشناسی اجتماعی لومپن پرولتاریا را دست مایه خود قرار داده بود که بنا بر گفته «علی اکبر اکبری» تفاوت چندانی با «طبقه کوچک تهی دست« و یا طبقه زیرین شهری نداشت. با اینکه، در این دوره، تهی دستان جدید به بخشی از تصور عمومی تبدیل شده بودند، اما این تصور هم انسانی فاقد قدرت را مجسم می‌کرد.

کتاب حاضر کوششی است برای به تصویر کشیدن مبارزات آن گروه‌های اجتماعی‌ای که به واسطه عدم تعلق به طبقه با قشر معینی، سرنوشت. مبارزات و تلاش روزمره شان برای بقا، از دید جامعه شناسی و علوم سیاسی جدید پنهان مانده است.

حاشیه نشینان شهری، فروشندگان دوره گرد، کارگران روزمزد که همگی در این کتاب، تحت عنوان تهی دستان شهری مورد توجه قرار گرفته اند در زمره این گروه اجتماعی به شمار می‌روند.

تلاش روزمره و پیگیرشان برای بهبود وضع مسکن و معیشت، کار و در آمد، آنها را به اتخاذ راهکارهایی همچون همراهی و همگامی موقت با این یا آن نیروی سیاسی، تأسیس تشکلات مستقل با عمری بیش و کم کوتاه و همچنین مذاکره و معامله با دولت و حکومت سوق می دهد.

راهکارهایی که به آنان امکان پیشروی آرام برای تضمین بقای شان را در جامعه ای که در آن فاقد هیچ گونه امتیازی نیستند، می دهد. همین تلاش ها، و پیوستگی های انفعالی ای که زمینه ساز این تلاشها هستند، تحت عنوان سیاست های خیابانی در کتاب حاضر مورد بحث قرار گرفته‌اند.